

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بیکار پامیر

۲۹.۰۱.۰۹

نقش پاکستان در تراژیدی افغانستان جلد دوم

پیوست به گذشته

گرچه والی طالبان در هرات، شخصی به نام یار محمد تعیین شده بود، ولی همه میدانستند که صلاحیت کلیه امور آن ولایت به دست کسی به نام (سلطان امیر) و به اسم مستعار (کرنیل امام) جنرال قونسل پاکستان در آن ولایت بود. این موضوع تا آنجا افشا شده بود که "نیوز ویک" مقاله ای را در ماه اکتوبر ۱۹۹۷م خویش در این مورد به نشر رسانید و رادیوی افغانها به نام (آزادی) در ورچینیای امریکا، ترجمه آنرا چنین پخش نمود: "سلطان امیر در رشته تخصص خودش یک صاحب منصب سابقه دار افسانوی است. وی در مکتب طرز استعمال اسلحه، تشکیلات، نفوذ کردن در محاذات و تلقین عقیده سیاسی توسط متخصصین کلاه سبزها در (فورت برگ) در کروویلیانای شمالی در امریکا تعلیم دیده است. پیروانش او را امام یعنی رهبر روحانی میخوانند. وی این لقب یا نام مستعار را پانزده سال قبل در یک تهاونه نظامی سر حدی هنگامی کمایی کرد که به تعلیم و تربیه مجاهدین مبارز در برابر اشغال افغانستان توسط شوروی میپرداخت. یعنی از همین مبارزین، اخرا الامر هسته مرکزی طالبان را تشکیل دادند. .. عرفان صدیقی یک نویسنده پاکستانی که سلطان امیر را از نزدیک می شناسد میگوید رهبر طالبان شخصا با امیر شناسایی دارد. شما میتوانید بگویید که امیر به مثابه مشاور تخنیکی طالبان اجرای وظیفه می نماید. . . ."

هجوم طالبان به حوزه جنوب غرب و حاکمیت دارو تازیانه ی آنان، علاوه از آنکه بالای عظیم قزو در ماندگی و نومیدی و تشویش و بی سرنوشتی را میان مردم مناطق مذکور بیشتر از پیش دامن زد، سرطان اعتیادمواد مخدر را نیز میان جوانان به ارمغان آورد. مثلاً، استفاده از تریاک، قبل از تسلط طالبان در فراه بسیار اندک و انگشت شمار بود، مگر پس از برقراری امارت طالبی، این اعتیاد میان جوانان وسیعاً گسترش یافت. مثلاً، آمارگیری شتابنده ای که در این مورد صورت گرفته است، در تحت حاکمیت طالبان در قریه (بزه) هشتاد و پنج نفر، در (کهدانگ) چهل نفر، در (چاه زندان) شصت و پنج نفر، در (گست) هشتاد نفر، در (ریگی) هفتاد نفر، در (کوک بالا) شصت نفر، در (شیوان) نود نفر، در (محمد ولیخان قلاع) یازده نفر، در (شمالگاه) چهل نفر و در (نوده) بیش از هشتاد نفر معتاد وجود داشته اند.

یکی از مسافران به نام نعمان از قندهار، چشمدید خود از دلارام فراه را به رشته قلم در آورده و در شماره (۵۱) سال ۱۹۹۹م (پیام زن) چنین به نشر رسیده است: "به تاریخ ۱۹ حوت ۱۳۷۸ خورشیدی از هرات به سوی قندهار در حال حرکت بودیم که مو تر حا مل ما ساعت ده و سی دقیقه شب در دره (چکاب) در دو کیلو متری دلارام ولایت فراه، باشنیدن صدای فیر متوقف شد. در این اثنا راننده با یکی دیگر از مسافران مورد اصابت گلوله قرار گرفت و افراد مسلح که تعداد شان به ۸ تن میرسید با لنگی های سیاه و لباس گشاد طالبی در اطراف ما حلقه زدندو شروع به دادن دشنام های رکیک به ما کردند. آنان از راننده که پسر جوانی بود، خواستار پول شدند. او گفت که پولهایش را در هرات نزد نمایندگی گذاشته است، ولی تفنگ به دستان نپذیرفتند او را از موتر پائین انداختند و در حالیکه قبلاً زخمی بود، سینه اش را هدف قرار داده برای بار دوم بر او شلیک کردند. پدر راننده فریاد زد که "اینه پول ها را بگیرید پسرم را بگذارید" طالبان رهن بعد از گرفتن پول به لت و کوب وحشیانه مسافران پرداختند که تعداد شان به نوده تن میرسید (از آنجمله ۱۴ نفر هزاره بودند که به وسیله رژیم ایران رد مرز شده بودند). وقتی تمام پولها و اشیای قیمتی را ربودند، ما را به حال خود گذاشته صحنه ترک گفتند. پانزده – بیست دقیقه بعد از وقوع حادثه، موتردیگری رسید و به اثر

تقاضای ما، زخمی‌ها را برداشتند تا به داکتر یا شفاخانه انتقال دهند. ما نیز تصمیم گرفتیم تا شب را در دلارام سپری نمائیم. من تنها کسی بودم که در میان مسافران، رانندگی را بلد بودم، بنأ فردای آنروز به سوی قندهار حرکت کردیم، عصر همان روز وقتی به قندهار رسیدیم، از طریق دوستان راننده موتر خبر شدیم که او بعد از چند ساعت نزد داکتر جان داده است. همه مسافران با شنیدن این خبر کینه و خشم‌شان را نسبت به فاشیست‌های طالبی بیان نمودند.

شاهدان عینی اظهار کردند که "از منطقه‌ی گرشک تا دلارام در دو طرف سرک عمومی اجساد فراوانی دیده می‌شود که بعضی از آنها تا حدودی زیر خاک پنهان مانده و برخی را حیوانات درنده تکه و پاره نموده‌اند. تعداد کشته‌شدگان در مناطق (حوض خشک)، (حسن گیلان)، (کاریز) و شرق دلارام از همه جا بیشتر می‌باشد."

"در ماه ثور ۱۳۷۵ خورشیدی، محفل عروسی عبدالله نام در عسکر آباد فراه دایر می‌گردد. در همین اثنا طالبان از در و دیوار منزل عبدالله به داخل حویلی می‌ریزند و زنان را به "جرم" نواختن دایره شدیداً توهین می‌کنند و داماد را با دو برادرش (داوود و فضل احمد) دستگیر نموده به آمریت می‌برند. فردای آن روز، عبدالله در نتیجه‌ی اصرار اهالی آزاد می‌شود، ولی دو برادر وی، در حالیکه دایره‌سوراخ شده به گردن‌شان حلقه شده با دستان بسته در کوچه و بازار تشهیر می‌شوند. . . ."

قرار گزارشات، طالبان به تاریخ پنجم ماه ثور ۱۳۷۵ خورشیدی، دست راست و پای چپ جوانانی به نام‌های نظام الدین، عبدالستار و لقمان را که ساکن قریه "پشته" ولسوالی بکواه می‌باشند، به اتهام سرقت در میدان لیسه ابو نصر بریدند. در بین مردم محل شایع گردید که چون جوانان مذکور از نظر سیاسی با مولوی یحیی حاکم طالبان مخالف بودند، بنابراین، طالبان ظاهراً به اتهام دزدی، از وی انتقام گرفتند.

به تاریخ شانزدهم ماه ثور ۱۳۷۵ خورشیدی، یکی از افراد طالب، جوانی به نام محمد عمر باشنده جوین را به خاطر خصومت دیرینه دستگیر و ظاهراً به اتهام داشتن سلاح، او را به پایگاه خویش می‌برد و مورد لت و کوب شدید قرار میدهد. جوان دستگیر شده پس از سه روز شکنجه‌های طاقت فرسا جان میدهد. طالب بچه‌ها جسد این جوان را به پدر ببنوای وی می‌سپارند. در هفته اول ماه حوت ۱۳۷۴ خورشیدی که مصادف به روز سوم عید فطر بود، منزل عبدل نام ساکن ادرسکن هرات به سرقت می‌رود. وقتی عبدل غرض بازخواست به اداره "تحریک طالبان" مراجعه مینماید، دزدان علیه خود او شهادت داده و در نتیجه، دست و پای جوان عارض را قطع میکنند. نیز یک گروپ از طالبان در ماه حوت ۱۳۷۷ خورشیدی غرض جمع‌آوری جوانان برای فرستادن به جبهه جنگ، به قریه (چکاپ) رفته همه اهالی قریه را به صورت وحشیانه تحت لت و کوب قرار داده تعداد زیادی از جوانان را به زور به داخل موترها می‌اندازند. یکی از زنان مالدار که یگانه نان‌آور فامیلش را طالبان گرفته بودند، خودش را بالای شوهر می‌اندازد تا مانع این عمل طالبان گردد، ولی آنها چنان با قنداق تنگ به کمرش حواله نمودند که زن مظلوم در همان شب کودک پنج ماهه اش را سقط کرد. وضع زن مذکور، مخصوصاً که در آن قریه نه داکتر وجود دارد و نه معالجه، فوق‌العاده وخیم خوانده شد. طالبان پس از اشغال ولایت نیمروز، اولین و عاجل‌ترین کاری را که انجام دادند، ساختن زندان مخوف و دور از معیارهای انسانی در آن ولایت بود. گفته می‌شود که اتاق‌های زندان مذکور هم خیلی تنگ و دلگیر و هم بدون کلکین و منفذ می‌باشند. چندین نفر زندانی در یک اتاق کوچک و بی‌منفذ جا داده میشوند و به جز از موقع نماز، حق برآمدن از آن اتاق را ندارند. گفته می‌شود که هر ملای طالبی صلاحیت دارد هرکسی را که دلش بخواهد، روانه زندان نماید و تا هنگامی که همان ملا بخواهد، زندانی اش در سلول باقی خواهد ماند. شخصی به نام انجنیر صمد که سابق رییس بلدیة شهر هرات بود، از سوی طالبان دستگیر و به اتهام اینکه نزدش سلاح وجود دارد، تحت شکنجه‌های سختی قرار داده شده و ششصد ضربه چوب بر بدنش زده‌اند. خانه‌ی انجنیر صمد را با بولدوزر ویران کرده و خودش را تا ماه میزان سال ۱۹۹۹م که این گزارش به چاپ میرسد، هنوز هم به زندان نگهداشته بودند.

گزارشات از فراه می‌رساند که طالبان یک نفر به نام صالح الله ولد محمد شاه مسکونه قریه ده عشق فراه را در ملا عام با شلیک پنج مرمی به قتل رسانیدند. ملا سید احمد والی فراه و نور احمد احمدی رئیس محکمه آن ولایت قبل از کشتن صالح الله، ضمن سخنرانی گفتند که قصاص این شخص که برادر داماد خود را به قتل رسانیده، بهترین نوع تطبیق حقوق بشر می‌باشد.

به تاریخ ۱۵ ماه اسد، طالبان شخصی به نام تورن عمر مسکونه قریه "اشتآباد" را به اتهام داشتن سلاح دستگیر و تحت لت و کوب شدید قرار میدهند. چون شخص دستگیر شده سلاحی ندارد که برای شکنجه‌گران بسپارد، بنابراین، پس از آنکه ناخن و صورتش را با کارد پاره پاره می‌نمایند و عاقبت خصیه عمر نام را نیز می‌کشند تا جان می‌دهد. وقتی اهالی مطلع شده نزد والی طالبان می‌روند، وی خطاب به مردم می‌گوید، حالا جسد را دفن کنید، من موضوع را به قندهار را پور میدهم. همین!

قرار اظهار اهالی شنیدند، در نتیجه‌ی یورش ملاها و طالبان پاکستان به خاک افغانستان، یکتعداد افراد مشکوک به نام "جماعت تبلیغی" و ظاهراً "گیاه‌شناس" در شهرها و دهات مشغول گشت و گذار اند و از مردم، مناطق مهم تاریخی را می‌پرسند. این گروپ به اصطلاح گیاه‌شناس، شبی یک زیارت به نام "امام غریب" را زیر و زبر می‌نمایند و فردای آن، اهالی منطقه در محل حفر شده نقش کوزه و دیگ را در بین گل و خاک قبر می‌بینند. چند شب بعد تر قبری در "قلعه گاودار" زیر و رو می‌شود و سه روز بعد از آن، قبر دیگری به نام "شیخ حق" در قلعه کوه

"خیفان" کننده می شود. در ماه حوت ۱۳۷۷ خورشیدی، افراد "جماعت تبلیغی" در قریه "خم مظف" در رود ادرسکن به داخل یک مسجد اقامت نموده چند شب روی "فضایل نماز و . . ." تبلیغ نموده و در پایان شب ششم، ناگه نا پدید می شوند. ولی صبح آن روز، مردم می بینند که زیارتی به نام "پیر سرخ" خراب شده است. قبر را به اندازه چهار متر کنده بودند و علاماتی مانند نقش کوزه شکسته و اشیای سفالین در اطراف قبر به ملاحظه می رسد. . . .

در همین شب و روز، قرار بود کودتائی از طرف نیرو های حزب وحدت اسلامی و برخی از جمعیتی ها به همیاری سپاه پاسداران ایران در هرات صورت گیرد، اما از آنجا که پلان کودتا قبلاً افشاء شده بود، بنابراین، طالبان به صورت ناگهانی به نقاط تجمع کودتاچیان در ولسوالی پشتون زرغون یورش برده تعداد زیادی از آن ها را به قتل رسانیدند و تعدادی از اجساد را غرض تماشای مردم در چوک شهر هرات آویزان کردند .

بد نیست در اینجا چند مورد از یک دستورالعمل بیست و دو ماده ای اداره معارف طالبان را که به نام "رهنمای ریاست عمومی معارف ولایت هرات" به نشر رسیده، درج نموده و متعاقب آن یک و دو نامه ای را بیاوریم که از شهر اشغال شده هرات به نشرات برون مرزی افغانها مواصلت نموده اند :

" . . . در مدارس لیلیه ترتیب نمودن انجمن در شب های جمعه و بیدار ساختن طلاب از عقاید غیر مذهبی و غیره که نظارت و کنترل انجمن توسط رئیس مدرسه یا یکی از استادان باشد . . .

تعلیم و تربیه باید مطابق فقه باشد . . . هر استاد موظف است تا قبل از شروع هر درس پنج دقیقه از کتاب تعلیم اسلام به طلاب درس داده و چند لحظه در مورد اخلاق و سیرت رسول اکرم (ص) و خلفای راشدین و اصحاب کرام و بزرگان رهنمایی نماید. . . هیچ یکی از استادان مدارس و مدرسین لیلیه و نهاریه حق ندارند بدون استادان ریاست عمومی معارف جلسه و سیمینار دایر نمایند. . . هر یک از استادان و شاگردان مدارس دینی لیلیه و نهاریه پابند اوقات رسمی موجه بدون اجازه مسوولین مدرسه حق بیرون شدن را ندارند. . . گذاشته (؟) بودن هر طالب العلم به شریعت، پرهیز نمودن کلتور (؟) و روش امتحان دین اسلام بوده و از فقه حنفی پیروی نماید . . . هر شاگردی که در مضامین علوم دینی ناکام گردد، سایر مضامین نیز ناکام شناخته می شود و هم در اخیر سال پارچه امتحان علوم دینی از طرف چند نفر عالم بررسی گردد. . . (هرشاگرد) باید از . . . تمام سیاست های روز پرهیز و سیاست آن مطابق حکم قرآن، حدیث و مذهب بوده و از پالیسی امارت اسلامی دفاع نماید . . .

نامه ای از شهر به اسارت کشیده شده هرات به قلم "حکگو" که در شماره ی ۲۵ ماه جنوری سال ۱۹۹۴ م جریده (فریاد) منتشره در آلمان به نشر رسیده است :

" . . . طالبان بعد از آنکه قدرت را در هرات به دست گرفتند حمام های زنانه و مکاتب دخترانه را مسدود ساختند. بعد از چند روزی هیأتی به ریاست مولوی خدا داد رئیس محکمه که از آدمهای فعال طالبان است، همراه با یک تعداد موسفیدان شهر وعده ای آخند و ملا عازم قندهار گردیدند تا در محضر ملا محمد عمر که طالبان به وی "عمر ثالث" لقب داده اند، اصالتاً از جانب خود و وکالتاً از جانب مردم اسیر هرات مراتب وفاداری خود را اظهار دارند. در ضمن جسارت نموده و پیشنهاد کردند که اگر حضور مستطاب ملا محمد عمر اجازت بدهند حمامهای زنانه و مکاتب دخترانه دو باره باز گردد که جواز چنین عملی در نزد ملا محمد عمر کفر آمیز آمده و جواب رد شنیدند. سفر این هیأت که طبعاً بکثرت مردمان این الوقت و ثنا گوی هر رژیم را نیز با خود داشت برای عده ای که تا هنوز با خوش باوری به قضایا می نگرستند بسیار عبرتناک بود. به ویژه در طول راه هرات - قندهار در منطقه هلمند، هیأت هراتی و همراهان طالب شان با تلی از کشتگان هرات توسط طالبان مواجه گردیدند. ابتدا موتر حامل هیأت بالای سرک در برابر جسدی توقف کرد که به حالت نشسته به قتل رسیده بود، جسد هنوز لباس بر تن داشت ولی زاغان تخم چشم و گوشت دستهای ویرا پاک خورده بودند. آنسو تر بیشتر از صد جسد دیگر بزم لاشخواران صحرايي را رونق بخشیده بود. . . .

هنگامی که اسماعیل خان هرات را رها و به ایران پناهنده شد و طالبان بر مرکب قدرت در هرات سوار شدند موجودی پول نقد خزانه دافغانستان بانک هرات (چهل و هشت اعشاریه پنج ملیارد افغانی) بود که از انجمله، علی الفور مبلغ (چهل و چهار اعشاریه پنج ملیارد افغانی) آن توسط ملا یار محمد والی هرات به قندهار برای ملا محمد عمر انتقال داده شد، کدام گندم سیلوی هرات که حاوی ذخیره چند ساله گندم بود، بالمال و یکجا به قندهار انتقال داده شد، همه اسلحه، وسایل و وسایط و مهمات پایگاه تورغندی به قندهار انتقال داده شده است، اسلحه و وسایط نقلیه و مهمات فرقه ۱۷ و قول اردوی هرات به قندهار انتقال داده شده است، "عبدالحی یتیم" از حزب اسلامی حکمتیار که در واقعه ۲۴ حوت ولایت هرات دست به جنایات عظیمی زده است از جانب طالبان به حیث والی فراه مقرر گردیده است، طالبان قومندان پلیس و مدیر محبس ولایت هرات را از زمره خلقیان سابقه داری انتخاب کرده اند که همه سوابق جرمی وضد ملی آشکار علیه آزادیخواهان هرات دارند، هشتاد در صد رؤسای دواير منتخب طالبان اشخاص بیسواد هستند که به جای امضا در مکاتیب و عرایض، نشان انگشت شان را میگذارند، طالبان عراده جات شخصی و موتر های سواری مستحکم، جدید و خوب مردم را به زور از خانه های شان کشیده و تصاحب میکنند، بنا به دستور اکید طالبان اسفالت و قیر ریزی سرکهای هرات متوقف گردیده است. طالبان که خود از افغانستان نبوده و محض برای ایجاد نفاق میان اقوام غیور ساکن افغانستان به افغان بودن تظاهر میکنند، به انجیران پروژ قیر ریزی گفته اند که کار را متوقف ساخته و وسایل قیر ریزی را به قندهار انتقال بدهند که تا کنون این دستور آنها عملی نگردیده است، منظور طالبان از این تحریکات بر هم زدن روابط برادرانه هراتیان و قندهاریان است، در نتیجه مراجعات و تلاشهای مکرر مردم گرچه

مکاتب دخترانه باز نگردیده است ، اما حمام های زنانه دو باره شروع گردیده است . از مجموع مطبوعات و تلویزیون هرات فقط مواظله بی اخلاص نیمچه ملاها و چلی ها را پخش میکند ، موسیقی جایی در برنامه های تلویزیونی نه دارد ، " اتفاق اسلام " فقط اعلامیه های ریاست امر بالمعروف و نهی عن المنکر را پخش میکند، ملیشه هائیکه در خدمت رژیم ساقط شده نجیب قرار داشتند ، دو باره توسط ملایار محمد والی هرات فرا خوانده شده و مورد استمالت قرار گرفته اند و به حیث نیروی ضربتی در مواقع ضرورت مد نظر میباشند . طالبان ریاکار به حد وفور از چرس استفاده میکنند ، هم جنس بازی به صورت آشکار و افراطی در میان آنها شایع است ، مامورین و مستخدمین دولتی برای آنکه مورد سؤال قرار نگیرند، همه صاحب ریش و مندیله گردیده اند، هفته گذشته بعد از نماز جمعه طالبان اخطار دادند که سر از فردا نمیتوانند هیچ مردی را در شهر بدون ریش و مندیله تحمل کنند. طالبان دستور داده اند که زنان بدون شوهران شان از منزل بیرون نه شوند و اگر بیرون می روند ، نباید چادر و یا لباس نو و رنگه بر سر و تن داشته باشند، معاش ماهاور معلم های زن که تا دو ماه به خانه های شان روان میگردید ، اکنون به کلی قطع گردیده است، به تاریخ اول قوس به تعداد ۷۵ نفر اسیر جنگی که از حبس رها گردیدند، ملا یار محمد والی هرات با دستان خود بر سر ایشان کلاه و مندیله گذاشت ، ملا یار محمد متعاقب این کار گفت اینان اکنون مطابق به سنت نبوی مسلمان گردیدند. ملایار محمد در عین زمان از هیأت ملل متحد و دیگر خارجیان نیز تقاضا کرد تا بدین اسلام مشرف گردند، یک کارمند اروپایی ملل متحد که در نزدیک بنده قرار داشت با انزجار گفت : میدانم که شما میل شخصی خود را به زور بر سر این ملت مظلوم تحمیل میکنید . طالبها که نه تنها با کلتور محلی آشنایی ندارند بلکه کاملاً بیگانه نیز میباشند، برای آنکه بتوانند یک نوع انضباط برده وار را در میان مردم هرات رواج دهند، افرادخوش نام و با نفوذ را توسط قومندانی پلیس دستگیر و مورد چنان ضرب و شتم قرار میدهند که بعضاً به حالت بیهوشی و کوما هم میروند و سپس آنان را نزدیک به در خانه های شان رها میکنند. کار این توهین بجائی رسیده است که حتی خلیفه صاحب نوین (شاید جوین) را مدت سه شبانه روز لت و کوب نمودند، بعد از این عمل قبیح ، ملا یار محمد والی و ملا خداداد رئیس محکمه هرات با چند نفر از همدستان دیگرش به خانه خلیفه صاحب موصوف رفته و از وی معذرت خواستند."

در همین شب و روزیکه طالبان حاکمیت دهشت بار شان را در هرات پهن کرده بودند ، نرخ اشیای مورد ضرورت عامه ازینقرار بود :

روغن یک کیلو گرام	مبلغ ۵۰۰۰۰	افغانی
شکر یک کیلو گرام	مبلغ ۲۰۰۰۰	افغانی
گوشت گوسفند یک کیلوگرام	۶۰۰۰۰	افغانی
گوشت گاو	۴۰۰۰۰	افغانی
نخود خام	۲۰۰۰۰	افغانی
آرد یکصد کیلو گرام	۱۱۰۰۰۰	افغانی
برنج چهار کیلوگرام	۸۰۰۰۰	افغانی
تخم مرغ یک عدد	۳۰۰۰	افغانی
ذغال چهار کیلو گرام	۲۰۰۰۰	افغانی
گاز یک بالون	۱۵۰۰۰	افغانی
برق یک کیلووات	۷۵۰۰۰	افغانی
دیزل بیست لیتر	۱۶۰۰۰۰	افغانی
پترول بیست لیتر	۳۲۰۰۰	افغانی
حمام عمومی یکنفر	۴۰۰۰	افغانی
فیس معاینات داکتر	۲۰۰۰۰	افغانی
مزد یک کارگر روزانه	۵۰۰۰۰	افغانی
کرایه حویلی ۴ اتاقه		
در یک ماه	۱۲۰۰۰۰۰	افغانی

گزارش شد که به تاریخ پانزدهم ماه سرطان ۱۳۷۶ خورشیدی به منزل حاجی محمد صادق تاجر در بکرآباد (محله شیعیه نشین) می ریزند ، یکی از اعضای فامیل به بام رفته پیچ کشیده طلب کمک میکند که دزدان مجبور به فرار می شوند. فردای آن ، بعضی از اعضای خانواده به جرم داشتن سلاح زیر شلاق می روند و پس از تنبیه مفصل رها می شوند. همچنان به تعداد یکصد و بیست نفر از منتقدین و روحانیون شیعیه ساکن مرکز هرات به زندان انداخته شدند که معروف ترین آنها ازینقرار بودند : شیخ حسن وثیقی مسؤل مدرسه صادقیه ، روحانی شیخ رجب جبریلی ، فاضلی ، حاجی باقی هشتاد ساله و مریض ، توفیق کاکه زاده مغازه دار ، میرویس کاکه زاده مغازه دار ، داوود کاکه زاده ، حاجی حبیب عزیز می معروف به حبیب سوز مالک چند مارکیت و حمام و کوتی ، حاجی همایون و محمد زاهد مغازه دار عزیز می مارکیت و امید مارکیت ، حاجی ناصر جان و غیره . توفیق کاکه زاده با داماد و برادرزاده اش با پرداخت مبلغ یکصد و سی ملیون افغانی رشوه رها شدند.

تعدادی از فرماندهان جنگ ضد طالبان در حوزه جنوب غرب به شمول افراد و افسرانی که از کابل فرستاده شده بودند ازینقرار بود :

جنرال علاالدین خان از چهار محل شیندند

جنرال ظاهر عظیمی

رجب خان

عبدالمناف ازبک

حبیب الله بیک ازبک

گل آغاخان

محمد نادر باتر

امام الدین

جنرال نجیم

غلام یحیی خان اکبری

جنرال فاروق ازبک

کریم بر اهویی بلوچ

داکتر محمد ظاهر

غازی محمد

جنرال جلیل خان فراهی

جبارخان

صادق

غفار آخند زاده

جنرال یلانی

حاجی بصیر احمد غوریانی

جنرال قتالی

جنرال افضلی

جنرال مجید

حاجی میر عبدالخالق

ملا محمد شاه

نثار احمد زنده جان

غلام محبوب بنایی

عبدالکریم

جنرال محمد عارف رستمی

عبدالخالق فراه

عبدالرحمن

جنرال سید عباس کوهدامنی

جنرال ملا صببور

دگروال محمد ظاهر

عطایی

سلام پهلوان

حاجی خان بلوچ

دگروال نصرالله خان

دگروال سید محمد ظاهر

حکومت خان

جان محمد قندهار

صوفی نور

دگرمن غلام سخی از غور

امیرجان

عبدالحمی زنده جانی

حاجی شیر بلوچ

سید شریف خان

تورن جنرال عزیز الله خان

عبدل خان لکڑای
تورن امان الله